



۲۰۲۰/۱۰/۰۳

حیدر اختر

## مرغ شکنجه گر معروف "رفیق" صمد از هر (فتح) یک لنگ دارد

ماه دسمبر ۱۹۹۳ بود که برای نخستین بار در یکی از برنامه های تلویزیون رنگین، که تحت نظر این جانب، نشرات داشت، پیرامون شکنجه ها و قتل شهید محمد هاشم میوندوال مطلبی به نشر رسید. در آنجا نام های شکنجه گران و قاتل شهید محمد هاشم میوندوال یاد شد. عبدالصمد از هر با کارگیری روش "بگیرش که نگیرد"، با گرفتن "وکیل مدافع"، خواست به اصطلاح از خود دفاع نماید... که جایی را نگرفت. با نشر بحث کودتا ها در افغانستان که توسط پژو هشر و مؤرخ مطرح افغانستان، جناب محترم محمد نصیر مهرین در سایت های انترنتی منتشر شد، باز هم صمد از هر (که به سر خود پردازد)، آستین ها را بالا زده، به همکاری یک تعداد از رفقای حزبی و هم قماش اش خواست، واقعیت ثابت شده شکنجه و قتل محمد هاشم میوندوال را به شکلی صحنه سازی نمایند که همه الله و بلا را در گردن قدیر نورستانی و تیمش انداخته و گروه اصلی توطئه گر را که اعضای کی جی بی و پرچی ها بودند، موسیچه های بی گناه معرفی نماید.

اسناد تحقیقی محترم نصیرمهرین ثقه بود. مدارک مستندی را که محترم داوود ملکیار تهیه کرده بود، به شکل قاطع معلوم کرد که جنایت ضد بشری وجود داشته است. افراد و اشخاص مطلع از موضوع و صادق هم اطلاعات خود را نشر کردند. گواهی و انتشار معلومات از طرف محترمه پروین جان امینی مرستیال و محترم داکتر عصمت الله امینی و بقیه هموطنان خیلی دلچسپ بود.

صمد از هر با وارخطایی اول به حمله قلمی شروع کرد. بعد چند همفکر و مستخدم خود را با دروغگویی قسمی وارد میدان کرد که نتیجه با جنجالهای شخصی درهم و برهم شود و خواننده بگوید که قتل و شکنجه نبود. بعد تر همان گپ های خود را در کتابی چاپ کرد که میشد بجای آن این جملات را مینوشت:

"نمیدانم کودتا بود و یا نبود. شکنجه بود، مگر من شکنجه نکرده ام. میوندوال، نمیدانم خودکشی کرد یا به قتل رسید. رئیس هیئت تحقیق میوندوال بودم مگر او را کم دیدم.!!! هر چه بود بعضی کشته شدند و بعضی محبوس . . ."

حالا هر وقت آسمان وریسمان بافی خودش را کتابم و اثر علمی یاد میکنند. هیچ بروی خود نمی آورد و سر درگریبان نمی برد که یک دنیا اسناد است. اسناد هم جعلی و ساختگی نیست. کتابش را یک دفعه دیگر خواندم. قواره آدمی را باز دیدم که دست و پاچه است و به هر دروغ و به هر شکل به حقیقت گویان حمله ور می شود. یکی از کسانی که خشم وی را بوجود آورده این کمترین می باشد.

به مردم شریف وطن و فرد فرد آنها قسم میخورم که هیچ شناسایی و کدورتی از سابق با وی ندارم. فقط او را شخصی یافته ام که در وقتش شکنجه گر بود ولی حالا سرش بد میخورد که از سابقه اش یاد شده است. صمد از هر بسیار علاقمند آن است تا تمام مردم افغانستان نوشته های به اصطلاح "علمی و پژوهشی" اش را بپذیرند و مهر تایید بگذارند، فکر می کند یگانه انسانی است که گویا تمام قضایا را واقعینانه نوشته است. ولی مردم افغانستان به خوبی می دانند که صمد از هر کی است و به کجا ها ارتباطات مخفی داشته است.

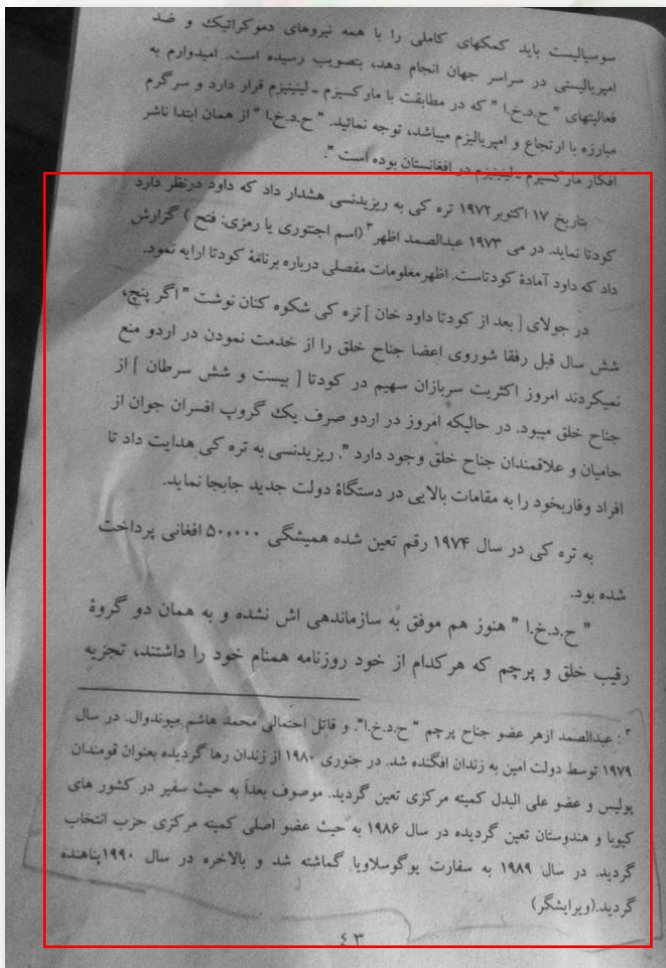
البته این شخص تنها نیست. به خیر به سر وقت نوشته ها وانگیزه های دیگران شان هم میرسم.

<sup>۱</sup> "از هر" به معنی روشن تر و درخشان تر است ولی در بعضی نوشته ها به شکل "اظهر" به معنی ظاهرتر، آشکارتر نوشته شده است. ا.ا.آ

## چرا صمد ازهر و ارخطا تر است:

۱- تا جایی که دیده شده است، آقای صمد ازهر در نوشته هایش کوشیده است خود را شخص تعلیم یافته، (کاش وی و امثالش پول وطن را که از قرض ها و مالیه تهیه شده بود، برای تعلیم در خدمت مردم بکار میبردند نه در خدمت روس و شکنجه) عالم، پژوهشگر، فعال و به گفته خود شان "انسان دوست و وطن پرست" معرفی نماید و باز هم در نوشته هایش از شکنجه دادن متهمین و زندانیان طرفه رفته و یا هم کاملاً منکر است و همیشه یاد آوری می نماید که با متهمین کودتای نام نهاد محمد هاشم میوندوال، رفتار خیلی ها انسانی صورت گرفته است. ولی آنده از متهمین و زندانیان که از دم تیغ جنایت کاران جان به سلامت برده اند از انواع شکنجه، تحقیر و توهین سخن می رانند. به گونه مثال از بین یک تعداد، سخنان محترم جنرال عبدالسلام ملکیار را نقل میکنم که در توطئه کودتای نام نهاد شهید محمد هاشم میوندوال نیز دستگیر شده بود، بعد از رهایی از زندان از انواع شکنجه در ایام تحقیق سخن می گوید:

«شکنجه ها چندین نوع بود. شکنجه هایی که بر ما حواله می نمودند، روز به روز فزونی میافت. اول چیزی که باید از آن تذکر بدهم عبارت بود از دنده های برقی. ولی بیشتر چوبهایی بود که ما را با آن زیر لت و کوب می انداختند. طرز شکنجه از چوب به طرز کف پایی (شاگردان) مکتب بود. و علاوه بر آن در بین انگشتان ما چوب را می گذاشتند و بعد آنرا فشار میدادند. یا دران ما ریسمان را بسته میکردند. . . .



از دنده برقی بیشتر برای شوک دادن استفاده به عمل می آمد. بعداً از طرز دیگری استفاده می کردند. مرا "تخته

بروی" می انداختند. دوتن به روی پایهام می نشستند. و دوتن دیگر دستنام را محکم می گرفتند. وبعد مثل اینکه زنان آشک را تیار میکردند. انسان خمیر را در زیر "لور" قرار بدهد، دنده را از پشت گردنم تا پایهام می دواندند. درد این شکنجه به اندازه یی بود، که فکر میکردم از گردنم تا پایهام همه را پوست می کشند. . . .

از دنده برقی آنقدر آثار بر جای نمی ماند. ولی از اثر چوب زدن تمام بدنم زده و زخمی و خون پر می بود. و من در حالی که دستمال هم نداشتم و به کسی اجازه آوردن آنرا هم نمی دادند. یگانه دستمالی که در اختیار داشتم، آنرا تر میکردم و بر زخم هایم می گذاشتم، تا اندکی راحت شوم. « (ویبلاگ خوشه) حالا خواننده سخن شکنجه دیده را قبول کند و یا از آقای صمد ازهر را؟

قبول شدن سخنانی که از شکنجه گفته شده، سبب و ارخطایی وی شده است.

بعوض معذرت خواهی بالای دیگران و این کمترین قهر میشود.

## ۱. جنایات زمان تجاوز شوروی راهم عبدا لصمد ازهر قبول ندارد

مگر

عبدالصمد از هر گناه دیگری هم دارد. یعنی جنایات حزب دموکراتیک خلق افغانستان، مخصوصاً تجاوز شوروی و شکنجه و عذاب دادن و به شهادت رسیدن دوره پرچمی های خود را هم قبول نمیکنند. با " دانش مترقی" خود میخواهد ثابت کند که جنایات دوره زمامداری رفقای حزبی و قوای شوروی را هم قبلاً حفیظ الله امین مرتکب شده بود. اگر خواننده محترم میخواهد شک کند پس از از هر بپرسد که پس از تجاوز شوروی چه ها شد و تو چی کردی؟

## ۲. عضویت خود را به کی جی بی قبول ندارد

یک گناه کبیره دیگری هم دارد: عضو کی جی بی بود. میتروخین از آمرین ارشیف معتبر که به غرب پناهنده شد، با از هر (فتح) اودرزاده گی نداشت که تهمت کند. صفا و مقبول مینویسد که نامش فتح بود. نشانی هم دارد. میگوید که خبر پیروزی کودتای ۲۶ سرطان را هم صمد از هر به آمرین کی جی بی، در سفارت داد. صمد از هر بالای میتروخین هم قهر است.

من که در یاد داشت قبلی خود این موضوع را مطرح کرده بودم و عضویت صمد از هر از گروه پرچم و روابط مخفی اش با دستگاه جاسوسی " کی جی بی " با نام رمزی فتح را نوشتم، دلیلی نداشتیم که آنرا قبول نکنم. مگر گپ های منکرانه از هر قبول شدنی نیست. بخاطری که آنوقت افتخار میکردند که عضو کی جی بی باشند، حالا هم نمی گوید که آیا کی جی بی در افغانستان جنایت کرده است و یا خیر؟ مگر کی جی بی شما را در قدرت نیاورد؟ مگر کی جی بی زودتر جنرال عبدالقادر جاسوس شناخته شده و عبدالصمد از هر را زودتر از دیگران از محبس پلچرخ آزاد نکرد. مگر زود وظایف امنیتی را نگرفتی؟

موضوع نخست کامل روشن است که خود صمد از هر به آن افتخارکنان می بالدد. اما روی موضوع دوم پای رفیق ما لنگی می کند و در جوابیه که نوشته موضع روابط اش را با دستگاه جاسوسی " کی جی بی " بسیار زیرکانه طرفه رفته است و نخواسته است واقعیت موضوع را بپذیرد و مرا نیز متهم به بهتان و دروغ پراگنی نموده است، در حالیکه کتاب " کی جی بی " در افغانستان را، یکی از جنرالان روسی که صمد از هر و رفقایش خدمتگار شان بودند نوشته، و جناب محترم حمید سیماب آنرا به زبان دری برگرداننده است.

برای معلومات بیشتر هموطنان عزیز ناگزیر جهت اثبات موضوع دوصفحه از کتاب " کی جی بی " در افغانستان را که نام صمد از هر منحصیث عضو " کی جی بی " در افغانستان به نام مستعار یا رمزی " فتح " فعالیت داشته کاپی و ضمیمه این یاد داشت نمایم. به گفته حافظ شیرازی :

### خوش بود گر محک تجربه آید به میان

### تاسیه روی شود هرکه در او غش باشد

نویسنده کتاب در پراگراف دوم روی ۴۳ نوشته است: « به تاریخ ۱۷ اکتوبر ۱۳۷۲ نورمحمد تره کی به ریزیدنسی هشدار داد که داود در نظر دارد کودتا نماید. درمی ۱۹۷۳ صمد اظهار ( از هر ) ( اسم اجنتوری یا رمزی فتح ) گزارش داد که داود آماده کودتاست. اظهار معلومات مفصلی درباره کودتاه ارائه نمود. » همچنان نویسنده کتاب " کی جی بی " در افغانستان در پراگراف ۲ صفحه ۷۰ چنین می نویسد :

« کی جی بی چندین بار از طریق نماینده هایش با حفیظ الله امین که از جریان فعالیت ارگان های امنیتی نظارت می کرد تقاضا نمودتا به پیگرد افرادخاتمه بخشیده، یک تعداد از اجنت های " کی جی بی " و اشخاص ارتباطی مورداعتماد شوروی را از الزامات وارده برآن ها مبنی برخیانت و انجام فعالیت های ضد دولتی میرا ساخته آزاد سازد .

به امین گفته شد که این افرادکارهای موثری را برای منابع شوروی انجام داده اند بدین وسیله برای تقوید دوستی افغان - شوروی و انقلاب ملی و دموکراتیک در افغانستان کمک نموده اند.

**در جمع اشخاص یاد شده اسمای حسن شرق سابق معاون صدراعظم در زمان محمد داود، صمد اظهر قوماندان اسبق ژاندارم و پولیس، محمد رفیع وزیر کار و امور اجتماعی و سابق عضو شورای انقلابی، عبدالسلام وزیر تجارت، قادر وزیر دفاع و تعداد دیگر وجود داشت.**»

قابل یادآوری است که حسن شرق در تمام توطئه و دسیسه که کودتای میوندوال یاد شده، هم‌منظر از هر ورفقاییش می‌باشد. همچنان اینها در محبس زنده ماندند. در حالیکه اشخاصی مثل جنرال شاهپور که وابستگی به کی جی بی نداشت، اعدام شدند.

به یقین کامل میتوان گفت که آقای صمد از هر، همان طوری که از شکنجه و قتل شهید محمد هاشم میوندال، و سایر متهمین که در اثر توطئه کی جی بی و پرچی ها، دستگیر و شکنجه شده و یا به اعدام رسیده اند، انکار می ورزد مجبور است که از فعالیت های سری اش با دستگاه جاسوسی " کی جی بی " نیز انکار نماید و برایش دلیل های " علمی و پژوهشی " بیدانماید.

زیرا سند و شاهد می گوید که وی به چهار کتاب مجرم است. جرم بزرگ از هر سبب میشود که بالای هر شخص و سند محکم و خوب حمله کند.

حال قضاوت را به شما هموطنان گرامی و علاقمندان

کودتای نام نهاد میوندوال شهید می گذارم و در مقابل نوشته ها ( تو زدن ) ویاوه سرایی های صمد از هر که آثار ناراحتی قویاً در آنها دیده میشود، از بیگناهان همیشه دفاع میکنم. گرچه مرغ صمد از هر یک لنگ



